

یاران و سروران عزیز روحانی با تقدیم تحیات امنع ابھی ویا تبریک به مناسبت فرا رسیدن سلطان اعیاد، عید مبارک رضوان

برنامه ای که برای بزرگداشت و تجلیل این ایام تهیه گردیده است و به پیوست تقدیم میگردد پیشنهادی است. امیدواریم شما عزیزان با برنامه ریزی قبلی و استفاده از امکانات محلی و بهره مندی از تولیدات رسانه های اجماعی در فضای اینرنت، به هر چه پربارتر شدن جلسه مساعدت نمائید. بدیهی است در این راستا میتوان از توانمندیهای جوانان، نوجوانان و نونهالان جمع حداکثر بهره را برد. فضایی مملو از روحانیت و سرور را برایتان آرزو داریم.

جانان خوش باد

پروگرام جلسه بزرگداشت عید اعظم رضوان

جمال قدم می فرمایند، "ای مشتاقان، جمال جانان بی نقاب و حجاب؛ و ای یاران، نار سینای عشق، در جلوه و لمعان. از ثقل حُبّ دنیا و توجه به آن خفیف شده، چون طُیور مُنیرِ عرشی، در هوای رضوان الهی پرواز کنید و آهنگ آشیان لایزالی نمائید و البتّه جان را بی آن، قدری نباشد و روان را بی جانان، مقداری نه. باری، پروانگان یَمَن سُبْحان در هر دمی حُول سراج دوست، جان بازند و از جانان نپردازند. هر طیری را اینقدر مقدور نه. (لوح غلام الخلد، ایام تسعه، ص ۹۸)

فهرست برنامه

۱. مناجات شروع
۲. لوح مبارک حضرت بهاء الله
۳. لوح مبارک حضرت بهاء الله
۴. بیان مبارک حضرت اعلی
۵. لوح مبارک حضرت عبدالبهاء
۶. لوح مبارک حضرت عبدالبهاء
۷. بیان مبارک حضرت ولی محبوب امرالله
۸. قسمتی از پیام بیت العدل اعظم الهی رضوان ۲۰۱۳
۹. شعر (رضوان)
۱۰. رضوان و پیام مهر و صلح
۱۱. نگاهی مختصر به روز دوازدهم عید رضوان سال ۱۸۶۳، بغداد، عراق
۱۲. آیا عید رضوان تنها یک جشن و بزرگداشت واقعه ای تاریخی و روحانی است؟
۱۳. برنامه های محلی

۱- مناجات شروع

هُوَ اللهُ

ای بخشندهٔ مهربان، یاران را دل و جان، شادمان کن و روح و وجدان، جنت رضوان فرما. در هر دمی تأییدی جدید بخش و در هر نفسی، نفسِ رحمانی بفرست. نفوس را آیات هدی کن و وجوه را سُرَجِ ملاءِ اعلیٰ. زبانها گویا کن و گوشها شنوا نما تا ترتیل آیات تقدیس کنند و استماع الحان بدیع، از ملکوت جدید. هریک را کوکبی کن و از افق موهبت کبری، درخشنده فرما. تا از مشرق هدی بر قرون و اعصار بتابند. توئی مقتدر و عزیز و بخشنده و درخشنده و دانا لا اله الا انت العزیز المُستعان. ع ع

مجموعه مناجات های حضرت عبدالبهاء صص ۴۰۸-۴۰۹

۲- لوح مبارک حضرت بهاء الله

یا روح الله، امروز روح در وادی مقدس، "لَبَّيْكَ اللَّهُمَّ لَبَّيْكَ" می گوید و کلیم در طور عرفان، به ظهور، بشارت می دهد. کجاست چشم و کجاست گوش تا ببیند و بشنود؟ قسم به انوار آفتاب حقیقت که اگر ایوم از نفسی امری فوت شود، هرگز بر تدارک آن مؤید نشود. ای دوستان، شما از اُورادِ حدیقهٔ معانی محسوبید، جهد نمائید تا متضوع شود از شما، آنچه که لایق و قابل است. هر نفسی ایوم به اعمال طیبه و اخلاق مرضیهٔ مزین شد، از او متضوع می شود آنچه که جان را تقویت می نماید.... حمد کن مقصود عالم را که تورا به بحر اعظم راه نمود و از رَحِیقِ مَخْتومِ محروم نساخت.

آیات الهی ج ۲ ص ۲۳۰

۳- بیان مبارک حضرت بهاء الله

حضرت بهاء الله می فرمایند:

اگر اهل ارض طراً اراده کنند ذکر ایامی که در بستان نجیب پاشا که به رضوان نامیده شده نمایند، هر آینه کل قاصر و بر عجز مقرر، فی الحقیقه چشم عالم شبه آن را ندیده و بصراً مم به مشاهده نظیر آن یوم، فائز نگشته. توجه مقصود عالمیان و ورود در آن بستان و استقرار بر عرش بیان و ما خرج من فم المشیه فی ذاک الآن، خارج از اذکار عالمیان بوده.... باری اشراقات و تجلیات آن یوم، خارج از عرفان و ادراک عالم است و مخصوص آن بستان، به اسم دربان مذکور شده که "رضوان" باشد و کانت ایام تجلی الرحمن بکل اسمائه علی من فی ارضه و سمائه. جمعی از اولیاء به مشاهده و لقاء آن ایام و ما ظهر فیها، فائز گشته. در ورود و خروج جمال قدم آیات و بینات الهی ظاهر و باهر و هویدا و نور تجلی، ساطع و لائح.

آیات الهی ج ۲ ص ۳۶

۴- بیان مبارک حضرت اعلی

و هیچ جنتی اعظم تر از برای هیچ نفسی نیست که در حین ظهور الله ادراک نماید او را و آیات او را بشنود و ایمان آورد و به لقاء او که لقاء الله است، فائز گردد و در رضای او که بحر محیط بر رضوان است، سیر نماید و بالاء و جنت فردانیت متلذذ گردد.

منتخباتی از آثار حضرت نقطه اولی ص ۵۲

۵- لوح مبارک حضرت عبدالبهاء

ای یاران و اماء رحمن، امروز روزیست که شمس حقیقت از افق وجود اشراق نمود. فجرش ساطع و شعاعش لامعف به قوتی که ابرهای مُتراکمه، متلاشی شد و در نهایت اشراق از افق عالم طالع و لائح گشت. اینست که در کائنات اهتزاز جدیدی مشاهده می نماید. ملاحظه کنید که دائرة علوم و فنون در این عصر چه قدر اتساع یافته و صنایع و بدایع عجیبه، چگونه جلوه نموده و قوای فکریه، چگونه ترقی کرده و اختراعات عظیمه، چگونه به ظهور آمده.

این عصر، حکم صد عصر دارد. یعنی اگر آثار صد عصر را جمع نمائی و آثار این عصر را نیز جمع نمائی، آثار این یک عصر تفوق بر آثار صد عصر دارد. مثلاً جمیع کتبی که در اعصار ماضیه تألیف شده، جمع نمائی و کتب و رسائلی که در این عصر تألیف شده، آن را نیز جمع نمائی، کتب مؤلفه در این عصر اضعاف مضاعف کتبی است که در جمیع اعصار ماضیه، تألیف شده است. ملاحظه نمائید که اشراق نیر آفاق چه تأثیر در حقائق موجودات نموده. ولکن هزار افسوس که چشم ها نابینا و گوش ها ناشنوا و عقول و قلوب، غافل از این موهبت کبری پس به جان و دل بکوشید تا خفتگان، بیدار شوند و کوران، بینا گردند و مردگان، زنده شوند.

منتخباتی از مکاتیب حضرت عبدالبهاء - جلد ۱ - ش ۷۳

۶- لوح مبارک حضرت عبدالبهاء

ای یاران روحانی عبدالبهاء در این دم که کوکب عید رضوان از مشرق امکان درخشنده و تابان و جهان از وجد و طرب، در نهایت روح و ریحان. جذب و سرور است، وگه و حُبور و تجلی یوم مَشکور، شادمانی است و کامرانی. روحانی است و وجدانی. نغمه و آهنگ است و ترانه و چغانه و چنگ. از هر جهت آثار فرح ظاهر و از هر سمت انوار جذب و وگه باهر، یاران الهی در نهایت شادمانی و اصفیاء رحمانی در منتهای کامرانی؛ زیرا یوم خروج اسم اعظم است در عراق از مدینه الله به حدیقه نورا و حضرت مقصود در آن یوم مشهود در نهایت فرح و سرور بودند، لهذا اشراق آن بَشاشت، ملکوت وجود را احاطه نمود و در آن روز فیروز اعلاء کلمه الله بر جمیع امکان گشت. پس ای یاران الهی در این عید مبارک باید کل چنان وجد و سروری نمایید که ملکوت وجود را به حرکت آرید. لهذا عبدالبهاء به بشارت کبری فائز و نهایت تضرع و ابتهال را به درگاه جمال ابهی می نماید که جمیع یاران را به روح و ریحان آرد و سرور و شادمانی بخشد.

منتخباتی از مکاتیب حضرت عبدالبهاء ج ۴ صص ۲۸-۲۹

۷- بیان مبارک حضرت ولی محبوب امرالله

با نزول اجلال حضرت بهاءالله به بستان نجیبه که بعداً از طرف اصحاب و پیروان آن حضرت به باغ رضوان موسوم گردید، بزرگترین و مقدس ترین عید از اعیاد بهایی آغاز شد. در این یوم اقوم افخم، جمال قدم و اسم اعظم، برقع از رخسار برکشید و مأموریت مقدس و مهیمن خویش را به اصحاب و احباب اعلام فرمود. این اظهار امر عظیم و خطیر از یک طرف کمال غایی و جلوۀ نهایی اشراقات و بروزات ساطعه از آن هیکل قدم، پس از مراجعت از کردستان محسوب و از طرف دیگر مقدمه اعلان عمومی امرالله و ابلاغ کلمه الله در ارض سرّ به اهل عالم و ملوک و رؤسای اُمم، تلقی می گردد. در اثر این ابلاغ عظیم و جلیل، سنین مهلت ده ساله که به مشیت سبحانی بین سطوع تجلیات الهی بر قلب مُمرد جمال اقدس ابهی در سجن طهران و اظهار امرش به پیروان حضرت باب، مقدر گردیده بود منقضی شد و "میقات ستر" که به فرموده جمال مختار شاهد اشراق آیات و ظهور آثار حضرت رب البینات بر آن هیکل اعزّمدانی بود، منتهی گردید. سلطان ظهور از خلف "الف الف حجاب من النور" قدم بیرون نهاد و اقل از "سم ابره" از انوار وجه منیر، بر عالم و عالمیان مکشوف ساخت

۸- قسمتی از پیام بیت العدل اعظم الهی رضوان ۲۰۱۳

قلوب این مشتاقان از مشاهده شواهد پی در پی انتشار پیام شفابخش حضرت بهاءالله و گسترش دامنه آگاهی از منویات عالیهاش، مشحون از امیدواری است. در این ایام پریمیمنت جشن و سرور، آن "یوم فرح اکبر"، عید اعظم رضوان یک قرن و نیم پیش را به خاطر می آوریم که جمال اقدس ابهی امر اعظمش را برای اولین بار به ملازمین حضورش، در باغ نجیبیه اعلان فرمود. از آن مکان مقدس، کلام الهی به هر شهر و دیار و هر بر و بحر منتشر شده و نوع انسان را به لقای پروردگارش، فرا می خواند و از آن نخستین سرمستان باده عشق الهی، جامعه ای متنوع و هدفمند ظاهر و چون گل هایی رنگارنگ در بوستان پرورده ید عنایتش، شکوفا گردیده است. با گذشت هر روز، تعداد بیشتری از نوآگاهان غیور دست دعا و مناجات به سوی روضه مبارکه اش بلند می کنند و این مستمندان نیز در همان مقام اطهر به یاد آن یوم فرخنده و به شکرانه جمیع مواهبی که حضرتش به جامعه اسم اعظم عطا فرموده، در نهایت تضرع و تبتل، سر تعظیم به عتبه مقدسش فرو می آوریم.

پیام بیت العدل اعظم رضوان ۲۰۱۳

۹- شعر رضوان

عالم نو و میهن نو و قانون کهن نو
اندیشه نو و پیشه نو و درس و سخن نو
افسانه نو و خانه نو و باغ و چمن نو
خورشید نو و ماه نو و دشت و دمن نو
دنیا اگر از عطر نفس های تو آکنده نباشد، به چه ارزد؟
رضوان شد و خود پرده برافکندی دیدیم
در اوج شدیم و به هوای تو پریدیم
آوای طرب از دل هر ذره شنیدیم
هستی همه در شَعشَعه عشق تو دیدیم
دولت اگر دولت پاینده نباشد، به چه ارزد؟
فرمان تو چون لرزه بر اندام جهان بود
عالم همه در پنجه تقلیب زمان بود
ایران وطن پاک شهیدان و شهان بود
گلزار خزان دیده دگر شاد و جوان بود
دل گر ز تمنای تو شرمنده نباشد، به چه ارزد؟
پیمان بهارین تو با دشت چه گوید
گل های شقایق دگر از سنگ بروید
عاشق، گل امید ز دست تو ببوید
باران تو خونابه زرخساره بشوید
این غنچه اگر بر لب او خنده نباشد، به چه ارزد؟
ای باد بهاری خبر یار چه آری؟
ای چشمه ی جاری سر دیدار که داری؟
ای بلبل بیدل، دگر از هجر که زاری؟

ای ماه دلارا، زچه افسرده و تاری؟
شوق تو اگر ساری و بالنده نباشد، به چه ارزد؟
این ولوله آن نیست که حاسد بنشانند
قاصد به گمان آید و فاسق بکشاند
جان لایق آن نیست که عاشق بفشاند
پیغام تو آن نیست که فاسد برساند
آئینه اگر صاف و درخشنده نباشد، به چه ارزد؟
ما بنده‌ی آن پادشه بنده نوازیم
بیگانه نخوانید که ما محرم رازیم
در اوج غروریم و در عین نیازیم
جز عشق تو بر عالی و دانی به چه نازیم؟
این بنده اگر نام تو را بنده نباشد، به چه ارزد؟
لبریز عشق تو و مسحور جمالیم
جویای تو و منتظر اذن وصالیم
ما را بنگر چون به تمنای محالیم
عمری است که سرگشته‌ی این خواب و خیالیم
آینده که بالنده و پوینده نباشد، به چه ارزد؟
خنجر به رگ و سرب به ره و پای به بندم
هر کس به هوایی دهد از فاجعه پندم
از عیش مگویند که من عشق پسندم
دیگر نه کسی می دهد آسیب و گزندم
سر در قدم دوست گرافکنده نباشد به چه ارزد؟

شعر از: بانو مهوش ثابت

۱۰- رضوان و پیام مهر و صلح

اعلان راز و پیام نهفته در دل حضرت بهاءالله، مبارزه ای بنیادی علیه جور و ستم بود. بدین ترتیب آشکار است که پیام هر سه اظهار امر نیز دقیقاً به نفی سرچشمه ظلم و سرکوب و نشان دادن راه رسیدن به آزادی و داد، معطوف است. در زمانی که دولت ایران بالاخره موفق شد که حمایت دولت عثمانی را برای تبعید حضرت بهاءالله از بغداد به استانبول و ادرنه جلب کند، اظهار امر رضوان تحقق یافت. در توصیف این حادثه تاریخی حضرت بهاءالله خود چنین می فرماید:

"در یوم اوّل که جمال قدم بر عرش اعظم در بُستانی که به رضوان نامیده شد مُستوی، لسان عظمت به سه آیه مبارکه نطق فرمود: یکی آنکه، سیف در این ظهور مرتفع است. و آخر، هر نفسی قبل از الف سنه ادعا نماید باطل است ... و ثالث، حقّ جلّ جلاله در آن حین بر کلّ اشیاء به کلّ اسماء تجلّی فرمود."

چنانکه می بینیم اظهار امر حضرت بهاءالله در باغ رضوان در سال ۱۸۶۳ با ذکر سه گفتار صورت می پذیرد. اولین بیان مبارک، مربوط به نفی فرهنگ خشونت است. یعنی آنکه شمشیر در این ظهور برداشته می شود. دومین گفتار، بیانگر اصل هشجاری تاریخی حضرت بهاءالله است. یعنی آنکه کلام الهی پدیداری زنده و پویاست و برای آن پایانی قابل تصور نیست. همه پیامبران یک حقیقتند و همه کتاب های آسمان یک کتاب. ولی این حقیقت واحد در زمان های گوناگون خود را به شکل تازه ای منطبق با درجه تکامل جوامع بشری، آشکار می نماید. همانند آدمی که در سال های گوناگون شکل های گوناگون به خود می گیرد، بزرگ می شود و رشد می یابد اما همان آدم است. پس ایشان آخرین پیامبر نیستند و پس از هزار سال پیامبر دیگری می آید.

گفتار سوم حضرت بهاءالله، بیانگر اصلی روحانی برای اعلان ظهور انسان و رهائی از عرصه تنازع بقا و ددمنشی است. در روز نخست رضوان در هنگام استوای بر عرش، خداوند بر همه اشیاء با همه نام های خویش تجلی می کند و بدین ترتیب است که از نظر مبارک، همه چیز آینه خدا شده است و باید در هر چیزی صفات و اسماء خدا را جستجو کرد، یعنی همه چیز و همه کس پاک و مقدس و زیباست و همه کس از کرامت و حقوق و تقدس برخوردار است. حقیقت بالقوه

آدمیان به عنوان صورت و مثال خدا، اکنون باید در عمل و بالفعل و در عرصه روابط اجتماعی و زندگی روزمره آدمیان، تابناک و درخشان گردد.

سه اصلی که در اظهار امر حضرت بهاءالله مطرح شده است رابطه ای ناگسستنی و الزامی با یکدیگر دارند. رفع شمشیر و فرهنگ صلح، تنها در سایه تعبیری روحانی از انسان که در آن آدمی جلوه اسماء خدا و نه درنده ای خونخوار تلقی می شود، امکان پذیر است. به همین سان ظهور انسان از طبیعت و ورودش به عرصه روح و شکوفایی فرهنگ صلح و مهر و داد، نیازمند هشیاری تاریخی است. روح، پدیداری طبیعی و ایستا نیست، بلکه ویژگی راستین خرد و هشیاری، دگرگونی و رشد و پویائی و فعالیت و زندگی یعنی زمانمند بودن و تاریخی بودن آن می باشد. اندیشه ایستا بودن خرد و پایان یافتن تکامل ادیان به معنای سنت پرستی، مرگ فرهنگی و سقوط آدمی به ورطه شیئی است. پس انسان پدیداری است روحانی، روح پدیداری است تاریخی و پویا، و مقتضای مرحله نوین این پویائی و تکامل تاریخی، چیزی نیست جز یگانگی جهان و صلح و دوستی همگان. بدین ترتیب رضوان روز خداست و اگرچه این روز در روز خروج از بغداد آشکار می شود اما، این روز خدا تا هزار سال ادامه دارد. هر روزی نوروز و هر یومی رضوان است.

دکتر نادر سعیدی (کانال تلگرامی سفینه عرفان)

۱۱-نگاهی مختصر به روز دوازدهم عید رضوان سال ۱۸۶۳، بغداد، عراق

چون اراده حضرت بهاءالله تعلق گرفت که ظهر دوازدهم رضوان از باغ نجیبه عزیمت فرمایند، بعد از وداع با احباء و سایر دوستان، بر اسب کهر تقدیمی آقا میرزا فتحعلی فتح اعظم که مسعود یا سُعود نام داشت سوار شده رو به فریحات، حرکت فرمودند و در حالی که اهل بیت مبارک نیز با کجاوه و عماری ایشان را همراهی می کردند. تمام کسانی که داستان آن روز و آن ساعت را تعریف کرده اند می گویند: هنگامی که حضرت بهاءالله سوار بر اسب و آماده عزیمت شدند، صدای ناله و زاری از جمعیت برخاست... دو ساعت بعد از ظهر به قصر بزرگی که در آن جا بود وارد شدند... و مدت یک هفته در آن قصر اقامت فرمودند.

آقا رضا قناد شیرازی که ملازم رکاب مبارک بود، می نویسد:

در آن روز... سواری ممتاز حضرت بهاءالله را تماشا کردیم... میرزا یحیی که در بغداد پریشان و پنهان بود از اول قصد داشت به هندوستان یا حبشه برود ولی همین که دید حضرت بهاءالله با شکوه و جلال حرکت می فرمایند و خطر رفع شده است، تغییر عقیده داد و از حضور حضرت بهاءالله استدعا کرد که چه بکند؟ فرمودند: تمام آثار مبارک حضرت اعلی را که نزد توست منتشر کن و چون کسی تو را نمی شناسد به ایران برگرد و مشغول تبلیغ شو و یا در بغداد توقف کن و با احبای ایران در مکاتبه باش، ولی او تمکین نکرد و حاج محمد کاظم خراسانی را که از حیث قیافه شبیه وی بود به سفارت فرستاد و گذرنامه ای تهیه کرده... عیال و اولادش را با کاروان حضرت بهاءالله همراه نمود و خودش مُتنکرا به موصل رفت و به انتظار حضرت بهاءالله ماند. در صلاحیه که سر راه سلیمانیه و کرکوک است، حاکم و محترمین شهر استقبال نمودند و در اریل چون روز ورود هیکل مبارک مصادف با عید قربان بود، به افتخار ایشان و همراهان ضیافتی شایسته ترتیب دادند که در آن جواد خان کارگزار ایران نیز حضور داشت و بعد به موصل تشریف بردند و سه روز در آن جا متوقف شدند.

تلخیصی از کتب:

عهد اعلی صفحه ۵۳۱ بهاءالله شمس حقیقت صفحه ۲۲۸

کانال تلگرامی طلوع کرمل

۱۲- آیا عید رضوان تنها یک جشن و بزرگداشت واقعه ای تاریخی و روحانی است؟ اگر چه برگزاری اعیاد رضوان به عنوان تداعی یک واقعه عظیم روحانی و تاریخی، نشأت گرفته از وجد و سروری قلبی و شور و شغفی درونی و مُنبعث از عشق و انجذابی معنوی است، اما شاید لازم باشد که این مناسبت را از منظری فراتر از برگزاری یک جشن و بزرگداشت تاریخی و ابراز شادی و سروری درونی، بنگریم...

جمال قدم در این روز و در یوم اظهار امر مبارک خود، به کلمه ای تکلم فرمودند که موجب تأمل و تفکر است و آن اینکه "حق جلّ جلاله در این حین بر کلّ اشیاء به کلّ اسماء تجلی فرمود". (۱) بیانات متعددی وجود دارد که جمال قدم اصل و اساس را به تحوّل و تغییر داده اند و برای آن اهمیت بسیاری قائل شده اند. در کتاب مستطاب ایقان حتی عاصی را که عمری در مسیر نادرست بوده است در صورت تحوّل حقیقی و ایمان واقعی، مُستحق بخشش دانسته اند. حتی در برخی از الواح مبارکه بزرگترین دشمنان امر را که مرتکب سیئات عظیمه ای شده بودند که شاید از نظر بندگانش، غیر قابل بخشش بود، نصیحت می فرمایند که اگر بخشش الهی را طلب کنند و به تدارک مافات قیام نمایند، حق آنها را خواهد بخشید. در "کتاب عهدی" وصیتنامه مبارکشان فرمودند: "عَفَا اللَّهُ عَمَّا سَلَفَ..."

تجلی حق به تمام اسماء و صفات در این ظهور، به معنی اراده الهی برای تغییر و تحوّل اساسی و عظیم در کل عوالم روحانی و عالم عقول و افکار و ارواح انسانی است...

... به یاد آوردن چنین حقیقتی که عفو و بخشش الهی و اراده او به خلقی بدیع، فضل و موهبتی عام و شامل کل نوع بشر در هر لحظه از حیات است، می تواند موجب آن گردد که ما در این ایام به تأسیس اساسی جدید در زندگی خود همت گماریم و بدانیم که حرکت به سوی کمال و رشد حقیقی و تحوّل معنوی، پاسخی عاشقانه به الطاف محبوب و مقتضای عبودیت خالصانه اوست. ... حضرت عبدالبهاء در یکی از الواح مبارکه خود می فرمایند که در این ایام باید اساسی عظیم را بنیان نهاد. نباید تصوّر نمود که این اساس حتماً اساسی مادی و یا تشکیل یک بنیان خیریه عمومی است. چنین تصویری موجب محدود دانستن این اقدام به افراد دارای ثروت یا صاحب فراست خواهد بود. بنا نهادن این اساس، امری است عمومی که هر کس در حدّ توان

خود می‌تواند این تغییر بنیادین را قبل از هر اساس دیگری در حیات و افکار و قلب و روح خود ایجاد کند و چون چنین گردد، انوار آن در همه شئون حیات او تابان شود. این تحوّل درونی مبدأ تمام تحولات در عالم امکان و منشأ هر تغییر در عالم انسانی است.

هر لحظه از حیات ما می‌تواند حامل امیدی جدید برای تحوّل عمیق در حیات روحانیمان باشد. و لذا این ایام پر از فضل، ایامی برای طلب است، طلب و استمداد و تمنای شمول تأییدی از آستان مقدسش که بتوانیم به خدمتی جدید و عبودیتی که حاصل این تحوّل در حیات روحانی و در افکار و قلوبمان است، موفق گردیم...

عید رضوان یادآور این فضل عظیم و بخشش عمیم است و چه شایسته است که با تأملی عمیق در فضل و بخشش جدیدی که در این یوم بر عالم امکان به اشدّ اشراق متجلّی گشته، این ایام را تنها به عنوان یک جشن یا بزرگداشت رویدادی روحانی ننگریم، بلکه آن را به شکرانه فضل بی دریغش، منشاء و مبداء اساسی بدیع و تحوّل که شایسته عبودیت حضرتش باشد، نمائیم.

۱- مائده آسمانی ج ۸ ص ۶۴

کانال اندیشه